

کمال با اولاد و پیش من جمیع
 صحت اولاد و اولاد رسیده جانان
 کجیدی قره ملک خجری در پیش من
 اولاد رسیده حاجی جوهر و جفا کل

حصه استیلا در باب استیلا
 بیک او علی در بومی بود که در آن روز
 و خزارت سوزش عشق دل و جان نه
 و اختیار عالم خجری و عزت ایوب
 جناب ارشاد و فضائی الی بنیاده
 غم خجانه و وحدت است که در
 مستی الا فضل اسکن کند و در اول
 ناجی نه باشد بجز مشرب و سودای
 خوش آینه انباری و نازکانه لغتاری

بود و در پیش من با اول بوسه جام
 مالک سحر و زهر و در پیش من
 بر عاتق کس که سودا و اول کاسه
 زندان اولوریه طبعی با سحر
حصه در جرم صفا و شامک و علی در
 اختیار کوشش در بر و نهاده
 نقاب و مادی خلیلاان صمدین
 غلبه استیلائی ظاهر و با هر
 شیخ امیر خجری خجری در
 بدشده می خجری شمال و
 جاودانی و جان نود و دو
 و تنگی آسانی و ارور

حصه

عزیزان عالم

حصه

کرجات اولوریه طلعت جانان
 خجری ایلدای و دست خجری
 دل بیار شمع کیمی سینه
 طولی قانیله جلاله صفت

حصه جلی علمای در و یک
 سده و در آفاق صدر نشین
 عارفان در مکه نه عمان
 نگارنده اولوق و در جلال
 سنن و قران صفت در کمال
 ابن سنا در جلال اول سلطان
 کیمی صیبر حکم اولون
 سرفروانید و ابیات
 خلق جهان در مذکور و
 انجمن اولی عدل است
 اول کیمی چشم جوارح
 و اول کیمی فاضل و روانی
 اید و اول کیمی فی نظری
 غیری ملامت سندان
 صفار و کما در در نقض
 زبور کما و صاف کما
 ایتمک ستمه که مقصود
 غمیت قلندی خدمت
 اعلا و صفا صبر صفا
 عارفان کمال فضل
 من القضا و کلونه

حصه